

زمینه‌های روابط فرازناسویی در ایران؛ مطالعه موردی شهر تهران

سیدحسین شرف‌الدین / دانشیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

عبدالهادی صالحی‌زاده / دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

hadisalehizade@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۲

چکیده

خیانت جنسی به عنوان یکی از مصادیق اباحی‌گری جنسی، از مسائل و معضلات فرهنگی جامعه ایران است که نگرانی اندیشمندان فرهنگی ° اجتماعی، سیاست‌گذاران و مدیران را به دنبال داشته است. این پژوهش، با هدف بصیرت‌زایی و شناخت عمیق مسئله خیانت، در قالب مطالعه‌ای کیفی به جست‌وجوی زمینه‌های اجتماعی خیانت در جامعه ایران معاصر پرداخته است. این تحقیق با تحلیل مضمونی دیدگاه‌های زنان و مردانی که خواسته یا ناخواسته خیانت و بی‌وفایی را تجربه کرده‌اند، به مطالعه زمینه‌هایی همچون سطوح عینی، کنترل‌های درونی و بیرونی پرداخته است. وجود برخی محمل‌ها و قابلیت‌ها همچون زیبایی ظاهری، ثروت، توانایی در جذب احساسات طرف مقابل و نیز ویژگی‌های موقعیتی مثل فضای باز ابراز احساسات عاطفی، ارتباط عادی با جنس مخالف در کنار ضعف بودن زمینه‌های کنترل درونی، مثل درون‌مایه‌های دینی و اخلاقی و کنترل‌های بیرونی، مثل ضعف عملکرد عوامل بازدارنده حقوقی و قانونی از جمله زمینه‌های تسهیل‌کننده ارتباط جنسی اباحه‌گرانه و خیانت می‌باشد که افراد مورد مصاحبه بدان اذعان کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: اباحی‌گری، اباحی‌گری جنسی، خیانت، زمینه‌های خیانت جنسی.

بیان مسئله، ضرورت و هدف

تغییر الگوی رفتار جنسی، از جمله تغییرات فرهنگی- اجتماعی به وقوع پیوسته در جهان معاصر می‌باشد. مبانی شناختی این دگرگونی، ریشه در مدرنیته و تفکرات برآمده از آن دارد؛ تفکراتی همچون انسان‌محوری، آزادی، سکولاریسم و... . لیبرالیسم به عنوان مجموعه‌ای از اندیشه‌های فردگرایانه، نقش بسیار مهمی در الگوی جدید رفتار جنسی داشته است. اخلاق جنسی مدرن مبتنی بر فردگرایی، لذت‌جویی و آزادی منجر به اباحی‌گری جنسی شده است.

در اباحی‌گری جنسی، هر نوع رفتار جنسی، که باب طبع و مورد پسند فرد باشد، مجاز شمرده می‌شود و توصیه‌های اخلاقی، قواعد و قوانین مدنی، عرف و رویه، شریعت و هر نوع قاعده هنجاری، که ضابطه‌مندی رفتارهای اجتماعی را اقتضا کند و محدودکننده آزادی ایشان باشد، به اقتضای آزادی فردی، حق مخالفت با آن را برای خود محفوظ می‌دارند.

امروزه یکی از انواع اباحی‌گری جنسی، که جامعه ما نیز تحت تأثیر عواملی از آن قرار گرفته است، خیانت جنسی و بی‌وفایی است.

روشن است که زمینه‌های شکل‌گیری و رواج خیانت جنسی در هر جامعه، منطقه و حتی هر خانواده متفاوت است. امروزه یکی از دغدغه‌های برخی از خانواده‌های ایرانی، به ویژه در شهرهای بزرگ مسئله خیانت جنسی همسران به یکدیگر و برقراری ارتباط جنسی با دیگران است. بی‌شک، افزایش روند این معضل در جامعه ایران، تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم عوامل مختلف شناخته و یا ناشناخته صورت پذیرفته است. فارغ از علل و دلایل، آنچه مسلم است اینکه موضوع اباحی‌گری جنسی و برقراری روابط فرازناشویی در جامعه معاصر ایران، روندی رو به رشد را نشان می‌دهد.

بی‌شک، اتخاذ رویکرد واقع‌بینانه در شناخت این موضوع، و تحلیل عوامل فردی و اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری، رواج و گسترش آن و نیز پیامدهای این روند در جامعه مذهبی ایران، مستلزم عطف توجه جدی به طیف گسترده عوامل فردی و محیطی دخیل، تحولات به وقوع پیوسته در سطوح ساختاری، فرهنگی و سبک زندگی ایرانیان، تجربه برخی بحران‌های محیطی، ارتباطات گسترده میان فرهنگی با جهان، به ویژه با محوریت رسانه‌های جهان‌گستر و... است. کتمان واقعیات، توصیف‌های سوگیرانه، تحلیل‌های مدافعانه و مصلحت‌اندیشانه و توجیهات سطحی‌نگرانه، هیچ‌یک گرهی از معضلات اجتماعی جامعه را باز نمی‌کند.

روشن است که اتخاذ هر نوع تصمیم، ارائه هر گونه راه‌حل و اعمال هر نوع سیاست اصلاحی و کنترل، مستلزم شناخت توصیفی و تحلیلی صحیح، دقیق و جامع مسئله مورد نظر در وضعیت موجود جامعه، با بهره‌گیری از تکنیک‌های مختلف مطالعاتی و پژوهشی متناسب است. ضعف اطلاعات موجود و مطالعات انجام شده در خصوص برخی معضلات، اجرای پروژه‌های تحقیقاتی جدید را موجه و ضروری می‌سازد.

پیشینه تحقیق

تا آنجا که مرور اسناد پژوهشی موجود در سامانه‌های اطلاع‌رسانی نشان می‌دهد، ظاهراً تاکنون هیچ مطالعه مستقلی با روش کیفی و با رویکرد جامعه‌شناختی در خصوص تجربه‌ها، انگیزه‌ها و زمینه‌های اباحی‌گری جنسی در جامعه ایران، با محوریت رفتارهای فرازناشویی (خیانت) صورت نگرفته است. اگرچه در خصوص ابعادی از روابط فرازناشویی، تاکنون تحقیقاتی میدانی با روش کمی صورت پذیرفته است. نمونه آن، پژوهش *قرائی مقدم* (۱۳۹۲) است. در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی نیز می‌توان از پژوهش انجام شده توسط *آقایی* (۱۳۹۳) تحت عنوان «بررسی نقش صمیمیت و رضایت جنسی در گرایش مردان متأهل به روابط فرازناشویی» در دانشگاه الزهراء (س) نام برد. این پژوهش به بررسی متغیرهای صمیمیت و رضایت جنسی در گرایش مردان متأهل به روابط فرازناشویی و نیز نقش جهت‌گیری مذهبی، به عنوان متغیر میانجی پرداخته است. *صفایی* (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل تأثیرگذار بر گرایش زنان متأهل به روابط فرازناشویی» به بررسی عوامل مؤثر بر روابط فرازناشویی، با تکیه بر عوامل و ویژگی‌های شخصیتهای به عنوان متغیرهای میانجی، پرداخته است.

مفاهیم

اباحی‌گری و اباحی‌گری جنسی

«اباحه»، در لغت به معنای مباح کردن، حلال دانستن و جایز شمردن است (معین، ۱۳۵۰، ج ۱، ذیل واژه اباحه، ص ۱۱۶). در اصطلاح فقهی، مباح یکی از احکام تکلیفی پنج‌گانه در مقابل حرام، واجب، مستحب و مکروه است (سعدی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۲). در لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌های لغوی، تعاریف کم و بیش مشابهی از این واژه به دست داده شده است. برای نمونه، *دهخدا* می‌نویسد: «اباحی: ملحدی که همه چیز را مباح شمرد. اباحیه، جماعت ملحدان که چیزی را حرام و ناروا ندانند» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۸۳). معین نیز آورده است: «اباحت... عبارت است از: نداشتن اعتقاد به وجود تکلیف و روا داشتن ارتکاب محرمات... اباحتی، ملحدی است که همه چیز را مباح

شمرده و ارتکاب محرمات را روا داند. نیمه شب هر شبی به خانه خویش آید و صد اباحتی در پیش» (معین، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۱۱۶). *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* نیز از دیدی پدیدارشناسانه، اباحیه را گروه‌هایی معرفی کرده که برخی از اعمال خلاف شرع را مباح پندارند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۰۱).

از نگاه برخی اندیشمندان فرهنگی، اباحی‌گری مترادف با لجام‌گسیختگی فرهنگی و ارزشی و به معنای «لیبرترینیزم» و آزادی، به همراه فروپاشی حریم‌های دینی است (روزنامه رسالت، گفت‌وگو با دکتر افروز). برخی نیز «اباحی‌گری» را در کلان‌ترین سطح تعریف، به معنی افزایش دامنه مباحات برای رفتارها و کاهش دایره واجبات، محرمات، مکروهات و مستحبات دانسته‌اند (روزنامه رسالت، گفت‌وگو با دکتر افروز).

با توجه به تعاریف فوق، مجموع رفتارهای جنسی خارج از قواعد و هنجارهای پذیرفته شده و انتظارات جامعه را می‌توان نشانه‌گان اباحی‌گری جنسی تلقی کرد. نظر به تعدد تعاریف، در این پژوهش، با الهام از برخی نویسندگان، تعریف زیر مورد توجه قرار گرفته است: «به هر نوع رابطه یا رفتار جنسی با همجنس یا جنس مخالف، که بدون ملاحظه قواعد اخلاقی، قانونی، شرعی و عرفی مرسوم و رایج در جامعه صورت پذیرد، اباحی‌گری جنسی گفته می‌شود (کاپلان و سادوک، ۱۹۹۸).

خیانت و روابط فرازنشویی

واژه «خیانت»، به معنای نقض پیمان و عمل نکردن به تعهداتی است که فرد از قبل به رعایت آن متعهد و ملتزم شده است. *لغت‌نامه دهخدا* در بیان معنای خیانت، از واژگانی همچون نقض عهد، پیمان‌شکنی و بی‌وفایی سود جسته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه خیانت). در مقابل این واژه، معمولاً واژه «وفا» و «وفاداری» که به معنی التزام عملی به مفاد میثاق و تعهد است، به کار می‌رود. «خیانت و وفا» واژه‌های عامی هستند که در غالب حوزه‌های رفتاری، اعم از فردی و اجتماعی، به معنای بی‌وفایی و نقض عهد و نیز وفاداری و تعهدورزی به کار برده می‌شوند.

در حوزه خانواده و روابط جنسی ناشی از پیمان زناشویی، واژه «روابط فرازنشویی»، بیانگر برقراری روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده و اقتضای پیمان زناشویی و به بیان دیگر، از گونه‌های مختلف نقض و تخلف در التزام عملی به رعایت موازین پیمان زناشویی از سوی همسران شمرده می‌شود. به عبارت دیگر، روابط فرازنشویی شامل برقراری ارتباط جنسی یک فرد متأهل با جنس مخالف، خارج از چارچوب خانواده و اقتضای پیمان زناشویی است (کاوه، ۱۳۸۳، ص ۲۵).

لازم به یادآوری است که خیانت به همسر امری طرفینی و شامل خیانت زن به شوهر، یا خیانت شوهر به زن می‌شود و از نظر قانون، هر دو مصداق خیانت شمرده می‌شوند. اگر چه طبق شواهد عینی و مطالعات انجام شده، به لحاظ فراوانی معمولاً تعداد مردانی که به همسران خود خیانت می‌کنند، از تعداد زنانی که به شوهران خویش خیانت می‌کنند، بیشتر است. ولی تحقیقات انجام شده توسط برخی مؤسسات خارجی در برخی کشورها، نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر فراوانی زنان خیانتکار نسبت به قبل بیشتر شده است برای نمونه مؤسسه Coffee and Company بریتانیا، در یکی از پژوهش‌های خود نشان داد که از ۳۰۰۰ شرکت‌کننده، ۲۰ درصد زنان به خیانت به همسران خود اعتراف کرده‌اند.

زمینه‌های خیانت جنسی

منظور از «زمینه‌های خیانت جنسی»، آن دسته از ویژگی‌ها، شرایط و موقعیت‌هایی است که هر چند مستقیماً و مستقلاً فرد را به سوی روابط اباحه‌گرانه سوق نمی‌دهند، اما در کنار سایر عوامل، همچون انگیزه‌ها و التهابات جنسی و تمایل روانی به برقراری این نوع ارتباط، این زمینه‌ها بالقوه امکان فرو رفتن در انحراف و برقراری روابط جنسی اباحه‌گرانه را تسهیل و تشدید می‌کنند. در هر حال، مراد از «زمینه‌های خیانت، همه آن عوامل و شرایط ذهنی و عینی است که انگیزه و تمایل به برقراری روابط جنسی غیرمجاز را در افراد تحریک و تشدید می‌کند. گفتنی است که «زمینه‌ها» و «شرایط»، هر چند به عنوان یک ویژگی محیطی و یک عامل تسهیل‌کننده روابط، کم و بیش و به اشکال مختلف برای بسیاری از افراد جامعه فراهم و مهیاست، اما تنها برخی افراد به دلایل عمدتاً شخصی، از این زمینه‌ها در جهت برقراری ارتباط جنسی اباحه‌گرانه و کام‌جویی غیرمجاز بهره می‌گیرند. طبق ادعای نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، برخی عوامل زمینه‌ای همچون ویژگی‌های شخصیتی، تیپ‌های روانی، ویژگی‌های موقعیتی، تربیت دینی و خردمایه‌های مذهبی، قوانین مدنی، مکانیسم‌های اجرای قوانین، کنترل‌های محیطی و... در این خصوص، چه به صورت ایجابی و چه سلبی نقش تعیین‌کننده دارند.

روش تحقیق

این تحقیق، با روش تحقیق کیفی صورت پذیرفته است. تحقیق کیفی، عموماً به تحقیقی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با مقاصد کمی‌سازی به دست نیامده باشند (کربین و استراوس، ۱۹۹۸).

داده‌های این تحقیق، از طریق تکنیک مصاحبه غیرساختمند گردآوری شده و بر معانی رفتاری و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان از عمل و انتخاب خود و انتظارات ارزشی و اخلاقی محیط مبتنی است. اطلاعات این تحقیق، با ارجاع به بینش‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای کنش‌گران و انعکاس آنها در بستر اجتماعی به دست آمده است. برای تبیین رابطه علی میان پدیده اجتماعی برقراری روابط فرازناشویی با عوامل ذهنی و عینی مؤثر در سوق‌یابی افراد بدان، ابتدا به عوامل ذهنی نظیر بینش‌ها، انگیزه‌ها، نگرش‌ها، نیات و دریافت‌های محیطی کنشگران و سپس، به زمینه‌ها و موقعیت‌های تسهیل‌کننده محیطی استناد شده است. البته به اقتضای کیفی بودن مطالعه، هدف اصلی دستیابی به بینشی روشن‌گر در خصوص پدیده مورد نظر و عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تشدید آن است، نه تعمیم نتایج حاصله از نمونه مورد مطالعه در یک وضعیت خاص، به جمعیتی انبوه در محیط‌ها، فضاها و شرایط مختلف.

از آنجاکه زبان تحقیق کیفی، زبان مفاهیم، بیان‌ها، روایت‌ها و مقوله‌ها است، نه زبان آمار و اعداد (محمدپور، ۱۳۹۰، ص ۹۷)، در این تحقیق سعی شده تا علاوه بر گزارش‌های روایی، مفهومی و تفسیری، در مقام تشریح ارتباط میان مقوله‌های مختلف تحقیق، به تفسیر تفسیرها یا تأویل مضاعف پرداخته شود. از نگاه اهل فن، تحقیق کیفی فاقد چارچوب نظری از پیش طراحی و تعیین شده و فرضیه‌های مبتنی بر آن است. محقق می‌تواند با استفاده از رویکردها و نظریه‌های قیاسی، به عنوان راهنمای عمومی تحقیق، در تدوین سؤالات اصلی و اولیه آن بهره‌گیری کند (همان) و تحقیق خود را با محوریت آنها و با هدف پاسخ‌یابی بدان‌ها به پیش برد. از این‌رو، این تحقیق به دلیل ماهیت اکتشافی، از هیچ چارچوب نظری و نظام فرضیات مستند و معطوف بدان که نگاه محقق را در عمل و طی مسیر جهت داده و راهبری کند، تبعیت نکرده است. روشن است که تنها منبع تحلیل برای استنتاج نتایج مورد نظر، داده‌های خام برآمده از متن گفت‌وگوها و مصاحبه با افراد نمونه منتخب است.

گردآوری داده‌ها

از آنجاکه شیوه نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی^۱ میدانی، عمدتاً کیفی، هدفمند یا نظری است، در این تحقیق از همین روش استفاده شده است. در این نمونه‌گیری، محقق برای دستیابی به اطلاعات، ابتدا با افرادی تماس برقرار می‌کند که درباره موضوع مورد مطالعه یا جنبه‌هایی از آن، دارای اطلاعات و شناخت مناسب و کافی باشند (محمدپور و رضایی، ۱۳۸۷). سپس از آنها می‌خواهد که افراد دیگری را

معرفی کنند. در این پژوهش، از شیوه گلوله برفی (استفاده طریقی از افراد نمونه برای معرفی سایر افراد دارای اطلاعات)، برای دستیابی به افراد مناسب جهت اخذ اطلاعات مورد نظر بهره‌گیری شده است.

مصاحبه

در این تحقیق، از تکنیک مصاحبه و از نوع باز یا غیرساختمند استفاده شده است. در این نوع مصاحبه، مصاحبه‌گر در طرح پرسش‌ها و مصاحبه‌شونده در پاسخ بدان‌ها آزادی کامل دارند؛ یعنی پرسش‌گر آنچه را که به نظرش ضروری می‌رسد، مطرح می‌کند و در مقام طرح سؤال، هیچ‌گونه محدودیتی برای خود احساس نمی‌کند و پاسخ‌گو نیز در مقام پاسخ آزادی کامل دارد. پرسش‌گر چنین مصاحبه‌ای می‌تواند ایده‌های خود را در قالب پرسش و با هر بیانی مطرح کند. پاسخ‌گو نیز می‌تواند پاسخگو خود را به هر صورت و بیانی که مایل باشد، ارائه کند (ساروخانی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۴).

روش تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، از استراتژی روش تحلیل موضوعی یا تماتیک (مضمون) استفاده شده است.^۱ این روش تحلیلی، مبتنی بر استقرا است: محقق در این تحلیل، داده‌ها را طبقه‌بندی، الگویابی درونی، الگویابی بیرونی و دسته‌بندی می‌کند (محمدپور، ۱۳۸۸) و به‌طور کلی روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. منظور از «الگو»، مدلی است که از طریق نظم مفهومی داده‌های مستخرج به دست می‌آید. داده‌های مورد تحلیل در روش تماتیک یا موضوعی، شامل داده‌های متنی، مصاحبه‌ها و داده‌های مشاهده‌ای متنی شده است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶). در این تحقیق، بر همین اساس مراحل آشنایی محقق با داده‌ها، تولید اولیه کدها، جست‌وجوی مفاهیم، بازخوانی مفاهیم، تعیین و نامگذاری مفاهیم و تهیه نهایی گزارش صورت گرفته است. کینگ و هاروکز، با بررسی و جمع‌بندی تلاش‌های دیگر پژوهشگران درباره تحلیل مضمونی، یک فرایند سه مرحله‌ای را برای تحلیل مضمون ارائه داده‌اند. این فرایند، شامل سه مرحله کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر می‌باشد (کینگ و هاروکس، ۲۰۱۰).

مصاحبه‌شوندگان

داده‌های این تحقیق، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند گردآوری شده‌اند. بدین منظور، ابتدا از طریق نمونه‌گیری گلوله برفی تعدادی از زنان و مردان متأهل، که به لحاظ تناسب موردی برای

پاسخ‌گویی به سؤال اصلی مناسب تشخیص داده شدند، انتخاب شده و مورد مصاحبه باز قرار گرفتند. برای شناسایی این افراد از مکان‌هایی از جمله پارک بانوان، آرایشگاه‌های زنانه و سالن‌های دادگاه خانواده استفاده شد. افراد نمونه، مرکب از ۱۰ زن و ۱۰ مرد متأهل‌اند که هر یک حداقل یکبار رابطه جنسی کامل خارج از حریم خانواده (فرازناشویی) را تجربه کرده‌اند. سطح تحصیلات این افراد، متفاوت و از دیپلم تا فوق‌لیسانس را شامل می‌شود. به لحاظ موقعیت شغلی نیز تنوعی از کارمند، شغل آزاد، خانه‌دار، فعال هنری، و دانشجو در آنها یافت می‌شود.

محورهای سؤالات مصاحبه

الف. انگیزه‌ها؛ ب. عوامل و زمینه‌ها؛ ج. تجربه‌ها (نقطه‌های آغازین روابط جنسی)؛ د. عوامل شناختی (محمل‌های توجیهی، تلقی و نوع نگاه فرد به مسئله ارتباط جنسی و عناصر توصیفی، مثل محرک‌های محیطی از قبیل شنیده‌ها، خاطرات و...)؛ ه. عوامل خانوادگی (شکل و ساختار خانواده، ارتباط اعضای خانواده با هم و فضا و رفتارهای درون خانواده)؛ و. عوامل شخصی (ویژگی‌های فیزیکی، اشتیاق‌های شهودی، عدم ارضای جنسی در روابط زناشویی، شرایط خاص دوران کودکی یا مجردی، میزان پابندی به احکام شرعی و...)؛ ز. نقش دوستان و اطرافیان؛ ح. عوامل اجتماعی (وضعیت ازدواج و طلاق، حجاب و مد، محیط کار، شبکه دوستان، اوقات فراغت، رسانه‌ها، اعم از تلویزیون، ماهواره، اینترنت، تلفن همراه و...)؛ ط. عوامل سیاسی (قوانین مصوب به عنوان مبنای عمل عوامل دولتی، نقش نیروهای دولتی و رسمی در برخورد با انحراف، تلقی فرد از اوضاع و شرایط سیاسی و...).

گونه‌شناسی روابط جنسی

الف. روابط جنسی کلامی (حضور، تلفنی و پیامکی)؛ ب. روابط جنسی فیزیکی (دیداری، لمسی و ارتباط کامل جنسی، همراه با عشق و دلدادگی یا بدون آن و...).

پیامدها

پیامدها و تأثیرات روابط جنسی بر زندگی فرد (علاقه به وجود آمده پس از ارتباط جنسی، چگونگی تلقی فرد قبل و بعد از ارتباط، خوف از بدنامی، طلاق، عادت به این روابط، بی‌خیالی نسبت به آثار این روابط، احساس التذاذ، احساس غرور، نگرانی و اضطراب، احساس استعمار شدن و مورد بهره‌کشی قرار گرفتن، تهدید شدن به افشای رابطه و...).

سؤالات زمینه‌ای: (سؤال از سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی، تعداد اعضای خانواده با تفکیک جنسی)؛ افراد مرتبط (ارتباط با یک نفر، ارتباط با چند نفر به تناوب یا همزمان، ارتباط با گروه)؛ مکان‌های ارتباط (...).

یافته‌های پژوهش

داده‌های خام اخذ شده، برای اولین گام در تحلیل تماتیک، باهدف استخراج دلالت‌های زمینه‌ای، مورد بازخوانی قرار گرفت. کلیدواژه‌های مرتبط با زمینه‌های خیانت از متن مصاحبه‌ها استخراج، و کدگذاری اولیه شدند. لازم به ذکر است که متن مصاحبه‌ها به دلیل برخی ملاحظات در مقاله منعکس نشده است.

جدول ۱. تنظیم کلیه تم‌ها یا زمینه‌های استخراج شده

ردیف	موضوع	محتوا	منبع
۱	ویژگی‌های شخصی	پول زیاد، اشتهای زیاد جنسی، زیبایی و مهارت‌های ارتباطی، داشتن دفتر کار مستقل، موقعیت شغلی خود یا همسر (یا وابستگی شغلی خود و همسر به سوژه مورد نظر) و... از جمله ویژگی‌هایی است که زمینه‌ساز برقراری روابط جنسی اباحه‌گرانه و فراژناتشویی است.	لیلا ص ۳، حامد ص ۳، یوسف ص ۲، آرمان ص ۳، ادریس ص ۱، حسین ص ۱، بابک ص ۱ و ۲، میثم ص ۲، شیما ص ۱، و...
۲	نقش عذاب وجدان و احساس گناه	احساس گناه (به معنای دینی آن) و عذاب وجدان تنها در حد ایجاد نگرانی و کاهش لذت ناشی از ارتباط مؤثر بوده است؛ اما به ادعای افراد نقش بازدارندگی نداشته است.	مهتاب ص ۱ و ۳، کتیون ص ۱، سهیلا ص ۲، ثریا ص ۱، پروش ص ۱، یوسف ص ۲، مریم ص ۲، آرمان ص ۱، مزده ص ۲، مهتاب ص ۱ و ۳، کتیون ص ۱ و ۳، و...
۳	برخوردهای دولتی (اقدامات اجرایی)	سیاست‌ها و اقدامات دولتی و انتظامی در برخورد با اباحه‌گری جنسی ناکارآمد است.	نیره ص ۴، میثم ص ۴، یوسف ص ۴، داور ص ۳، مهتاب ص ۴، مریم ص ۶، مزده ص ۶ و...
۴	خردمایه‌های دینی	باورهای دینی در مقام نظر یا التزام عملی به رعایت ارزش‌ها و احکام دینی ندارند یا پایبندی آنها چندان جدی نیست.	حامد ص ۲ و ۴، کتیون ص ۲ و ۴، ثریا ص ۲ و ۵، پروش ص ۲ و ۵، امیرمحمد ص ۲ و ۳، سهیلا ص ۲ و ۳، لیلا ص ۲ و ۴، شیما ص ۲ و ۳، و...
۵	قوانین حقوقی	نظام‌های حقوقی و قوانین مدنی موجود به هیچ وجه نقش بازدارندگی و کنترل مؤثر رفتارهای اباحه‌گرانه را ندارند.	شیما ص ۷، مهتاب ص ۶، شیما ص ۷، کیوان ص ۶، میثم ص ۴، داور ص ۳، یوسف ص ۴، مزده ص ۵ و...
۶	ویژگی‌های موقعیتی	رفت و آمد به مکان حضور سوژه؛ مجاورت مکانی و جغرافیایی؛ دید و بازدید متعدد؛ وجود شرایط مناسب برای گپ و گفت خودمانی؛ امکان شوخی و ابراز صمیمیت در ضمن برقراری ارتباط و... مجموعاً زمینه ایجاد ارتباط اجتماعی و عاطفی را فراهم ساخته است.	مزده ص ۱ و ۶، نیره ص ۵، مهتاب ص ۴، میثم ص ۳، کیوان ص ۱ و ۵، مریم ص ۱ و ۶، یوسف ص ۳، شیما ص ۶، آرمان ص ۴، ادریس ص ۱ و ۳، بابک ص ۱ و ۳ و...

تشریح موضوعات

موضوعات برگرفته از مصاحبه‌ها در کدگذاری اولیه، به عنوان تم‌های اولیه، وجود برخی زمینه‌های تسهیل‌کننده روابط جنسی اباحه‌گرانه و فرازناشویی را آشکار می‌سازد. در ادامه، به تشریح آنها پرداخته شده است:

موضوع شماره ۱ (ویژگی‌های شخصی): داشتن دفتر کار مستقل، موقعیت شغلی مناسب خود یا همسر، داشتن ثروت، اشتیاق زیاد جنسی، زیبایی ظاهری، مهارت‌های ارتباطی و...، از جمله سطوح عینی زمینه‌ساز در برقراری روابط جنسی اباحه‌گرانه شمرده می‌شوند.

ویژگی‌های شخصی را می‌توان به دو دسته رفتاری و ابزاری تقسیم نمود. مراد از «ویژگی‌های رفتاری»، توانایی‌های ویژه افراد در برقراری ارتباط اباحه‌گرانه است. رفتارهایی همچون جلب توجه طرف مقابل، با بهره‌گیری از مهارت‌های کلامی، نفوذ به حوزه احساس و غلبه بر احساسات وی، ابراز احساسات به وی در جهت جذب و کشاندن وی به سوی خود و... .

ویژگی‌های ابزاری مؤثر در برقراری ارتباط جنسی اباحه‌گرانه نیز عبارتند از: وضعیت مالی خوب، دارا بودن موقعیت اجتماعی، زیبایی اندام و ظاهر، شیک و با کلاس بودن، وجود مکان و محلی مناسب برای برقراری این نوع ارتباط، و... .

موضوع شماره ۲ (نقش عذاب وجدان و احساس گناه در ارتباط): همان‌گونه که اشاره شد، به ادعای طرف‌های مصاحبه، احساس گناه و عذاب وجدان تنها در حد ایجاد نگرانی و کم‌کردن لذت ارتباط مؤثر بوده، اما نقش بازدارندگی نداشته است.

افزون بر کنار عوامل بیرونی و اجتماعی، که در هر جامعه وظیفه پاسداری از هنجارهای اجتماعی را بر عهده دارند، برخی عوامل درونی بازدارنده‌ای نیز در نظام‌های آموزشی و تربیتی و از رهگذر فرایندهای جامعه‌پذیری پیش‌بینی شده است که غالباً از آنها تحت عنوان «کنترل‌های درونی»، یاد می‌شود. از مهم‌ترین این کنترل‌ها، که در نتیجه التزام آگاهانه و معتقدانه فرد به رعایت آموزه‌های الزامی و ترجیحی دین یا در پرتو ایمان و عمل صالح حاصل می‌شود، تقوای الهی است. «وجدان اخلاقی» نیز به عنوان یکی دیگر از منبها و واعظان درونی انسان است که نسبت به نیات و اعمال ناپسند، همچون خیانت از خود واکنش نشان می‌دهد. در موارد متعددی؛ زمینه‌ها و شرایط محیطی برای سوق‌یابی فرد به انحراف فراهم بوده و کنترل‌های بیرونی توان لازم برای مهار اراده طغیانگر او را ندارند؛ همین کنترل‌های درونی است که گاه در عین ضعف، می‌تواند با اعمال شوک‌های روانی، او را از ارتکاب رفتار انحرافی باز دارد.

برای سنجش میزان وجود و کارایی کنترل‌های درونی در افراد مصاحبه‌شونده، جایگاه و میزان تأثیرگذاری این دو عنصر درونی، یعنی ایمان مذهبی و وجدان اخلاقی نیز مورد سؤال و بررسی قرار گرفت.

پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: عده‌ای با رویکرد دینی، عمل خود یعنی خیانت را داوری کرده و با تعبیری همچون «احساس گناه» از وضعیت روحی و درونی خود خبر می‌دهند. عده‌ای با طرح مفهوم «عذاب وجدان» با بیاناتی حاکی از نگرانی، شرمساری و رنجش خاطر از واکنش درونی خود خبر می‌دهند. البته این احساس رنجش، نگرانی، ترس یا حتی پشیمانی، ناشی از اصل ارتکاب عمل و تازبانه نفس لوامه، یا ناشی از احساس دور شدن از مراتب بندگی و قرب الهی نبوده، بلکه بیشتر به دلیل ترس از افزایش ارتباط و پیامدهایی همچون رسوایی و طردشدگی اجتماعی بوده است. جالب اینکه هیچ یک از عاملان، اصل عمل زشت خود را صراحتاً تقبیح نکرده و نگرانی و پشیمانی متعاقب شان مانع ارتکاب مجدد و ادامه انحراف نشده است.

برخی نیز هرچند ابتدای امر، به دلیل احساس گناه، تمایل به ادامه در آنها تضعیف شده بود، اما به علاقمندی به فرد مورد نظر و لذتمندی ناشی از این ارتباط، به ندای این احساس بی‌اعتنایی کردند. برخی از این افراد، در عین احساس گناه و عذاب وجدان موضعی یا ضعیف، انحراف خود را بدون اعتنا به این منادی درونی ادامه دادند. تنها اثر این احساس ناخوشایند درونی، تقلیل لذت حرام حین ارتکاب عمل در کام عامل بوده است.

برخی افراد نیز از اینکه مبدا خانواده‌اش از وجود چنین رابطه‌ای اطلاع حاصل کنند، نگران بودند. موضوع شماره ۳ (برخوردهای انتظامی و دولتی): سیاست‌ها و اقدامات حاکمیت و نیروهای انتظامی در برخورد با رفتارهای اباحه‌گرانه جنسی ناکارآمد بوده است.

به صورت معمول برخی نهادهای اجتماعی در جامعه، مسئول و متکفل تعلیم و تربیت، جامعه‌پذیری و درونی کردن باورها و ارزش‌های مورد اعتقاد جامعه در ساختار شخصیتی افراد جامعه می‌باشند. برخی از نهادها نیز وظیفه نظارت بر محیط و کنترل روندهای اجرایی و نحوه پایبندی عملی مردم و سازمان‌های مسئول به رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به عهده دارند. وظیفه اصلی این نهادها، نظارت و مراقبت از محیط، تقویت و تشدید انگیزه در پایبندی به رعایت این قواعد، کاهش زمینه و تمایل به نقض و انحراف و در صورت ارتکاب، برخورد قانونی و قاطع با متخلفان و ناقضان حدود است.

با توجه به اینکه برقراری هر نوع ارتباط جنسی توسط افراد متأهل در خارج از چارچوب خانواده، امری خلاف هنجارهای پذیرفته شده در جامعه ایران است و اینکه افراد مورد مصاحبه، همگی از جمله کسانی هستند که از این حریم قانونی و هنجاری تعدی کرده‌اند، در ضمن مصاحبه از آنها در خصوص نوع نگاه ایشان به عوامل نظارتی و کنترلی محیط، یا تلقی ایشان از سیاست‌ها و قواعد رسمی نظام و عوامل اجرایی آن، در برخورد با برقرارکنندگان ارتباط جنسی اباحه‌گرانه سؤال شد.

پاسخ‌های ارائه شده در چگونگی برخورد عوامل قانون با روابط جنسی اباحه‌گرانه و میزان بازدارندگی این برخوردها، متضمن نکات قابل تأملی است. جالب اینکه برخی از مصاحبه‌شوندگان برخوردهای رسمی و حاکمیتی در مقابله با جرم‌های جنسی را، برخوردهایی ناشیانه، سطحی و تکراری تلقی کرده و آنها را مؤثر نمی‌دانند.

برخی نیز برخوردهای شدید حاکمیت را عامل زیرزمینی کردن، روابط جنسی اباحه‌گرانه دانسته‌اند. برخی نیز رفتارهای قوای دولتی را ناشی از عدم درک جوانان و بی‌اعتنایی به موضوع عشق ورزیدن و اینگونه روابط ارزیابی کرده‌اند.

برخی نیز در ظاهر اعمال برخوردهای سخت را در این خصوص، درست و مفید می‌دانند و ناموفق بودن سیاست‌های اجرایی نهادهای دولتی را ناشی از ظاهری و نمایشی بودن آنها ارزیابی می‌کنند. در کنار برخوردهای ظاهری، برخی نیز برخوردهای مقطعی سازمان‌های مسئول را در ناکارآمدی آنها، مؤثر می‌دانند.

خلاصه اینکه، نوع نگاه این افراد به نحوه برخوردهای دولتی، منفی است و آنها را در جلوگیری از اباحه‌گری جنسی، ناکارآمد می‌دانند. از این رو، ترسی از این برخوردها وجود ندارد. متخلفان همواره راه‌هایی برای گریز از قانون و مجازات سراغ دارند.

هرچند تجربه‌های شخصی یا تجربه دوستان ایشان، در فرار موفقیت‌آمیز از گیر نیروهای انتظامی، می‌تواند در ایجاد این نگرش تأثیرگذار باشد، اما به نظر می‌رسد، این تلقی در ناکارآمدی عملی نظام‌های نظارتی و کنترلی رسمی، ضعف سیاست‌های اجرایی، عدم توجه کافی در خصوص قوانین و فلسفه وجودی آنها، ضعف سیستم‌های نظارتی و کنترلی غیررسمی مثل امر به معروف و نهی از منکر و کاهش اعمال فشار فرهنگی و هنجاری، به‌ویژه در شهرهای بزرگ ریشه دارد.

موضوع شماره ۴ (خردماده‌های دینی): فقدان یا ضعف اعتقاد و باور و اندیشه دینی و عدم پایبندی عملی به رعایت ارزش‌ها و احکام دینی، از جمله اجتناب از خیانت جنسی است.

بی‌تردید خردمایه‌های دینی، نقش مهمی در کنترل رفتارهای اباحه‌گرانه دارند. با توجه به نقش و تأثیر هدایت در کلیت زندگی، از جمله ارتباطات جنسی، وضعیت اعتقادی و عملی فرد و میزان حضور دین در زندگی او در ضمن سؤالی مورد پرسش قرار گرفت.

سؤالات معطوف به دینداری فرد با عطف توجه به سه شاخص عینی تدوین شده‌اند:

۱. تصور شخص از مذهبی یا غیرمذهبی بودن خود و اینکه اساساً دربارهٔ دین و مذهب و نقش آن

در زندگی فردی و اجتماعی چه تصویری دارد.

۲. نحوه پوشش و آرایش، به‌ویژه به هنگام حضور در جشن‌ها و مجالس مهمانی است که خود از

جمله مصادیق التزام یا عدم التزام وی به رعایت مسائل شرعی و گویای میزان تشریح خانواده، دوستان و اطرافیان وی می‌باشد.

۳. چگونگی ارتباط وی با مساجد، هیئت‌ها و محافل مذهبی است.

با توجه به شاخص‌های مورد سؤال، تا حد زیادی می‌توان کمیت و کیفیت خردمایه‌های دینی

شخص را برآورد کرد.

در این باره، مصاحبه‌شوندگان را با توجه به پاسخ‌های ارائه شده، می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

الف. دسته اول، در مقابل سؤال از دین و مذهب به شدت عکس‌العمل نشان داده، با تعابیری تند از وجود مذهب و نقش آن در زندگی خود ابراز انزجار کردند.

ب. دسته دوم، در مقابل سؤال از دین و مذهب و نقش آن در زندگی خود، به راحتی ابراز

بی‌اعتقادی کرده و ارتباط خود با برنامه‌ها و مراسمات مذهبی را بسیار کم و ناچیز شمردند.

ج. دسته سوم، در پاسخ به سؤال، حساسیتی از خود نشان نداده، اعتقاد خود را در حد کم یا

معمولی ارزیابی کردند و مسائلی همچون حجاب را نیز به دلیل اطرافیان یا اعتقاد شخصی خویش رعایت می‌کنند.

معمولی بودن و درگیر مسائل دینی نبودن نیز از جمله تعابیری است که برخی دیگر از

مصاحبه‌شوندگان اظهار کردند.

برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز خود را افرادی معتقد معرفی می‌کردند. آنها هم خانواده سنتی و

متدین دارند و هم با هیئت‌های مذهبی در ارتباطند.

برخی نیز به رغم اینکه خود را فردی معتقد و مذهبی می‌دانند، اما به ضعف خود در روابط جنسی

نیز اذعان دارند.

نکته قابل توجه در موضوع جان‌مایه‌های دینی اینکه مصاحبه‌شوندگان، هر چند از حیث اعتقادی تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، اما به لحاظ ضعف در عمل و پایبندی به هنجارهای دینی و عدم دغدغه دینی در امورات زندگی، با یکدیگر اشتراک دارند.

موضوع شماره ۵ (قوانین حقوقی): نظام‌های قانونی موجود به هیچ وجه نقش بازدارندگی مؤثر ندارند. در هر جامعه، نظام‌های حقوقی و قوانین مصوب و نیز ضمانت‌اجراهای پیش‌بینی شده، نقش مهمی به صورت مستقیم و غیرمستقیم در هدایت کنش‌های متقابل، تعیین رفتارهای مجرمانه و مهار نسبی تمایل به قانون شکنی یا هنجارشکنی دارند.

با توجه به اینکه غالب قوانین مدنی کشور ما بر مبنای شریعت اسلام، تدوین و تنظیم شده و از نظر شرع روابط فرازناشویی به شدت محکوم شده است، روشن است که میزان التفات فرد به این قوانین و جایگاه و ضمانت‌اجرائی آنها، بالقوه نقش تعیین‌کننده‌ای در انگیزه‌یابی برای برقراری یا عدم برقراری روابط فرازناشویی دارد.

فارغ از صحت و سقم نظر اباحه‌گرا نه جنسی و نیز فارغ از جایگاه، ضرورت و اعتبار فی‌نفسه قوانین در جامعه و ضمانت‌اجرائی آنها، آنچه در اینجا مورد نظر است، نوع نگرش و تلقی فرد از قوانین موجود، لزوم متابعت یا سرپیچی از آنها، قدرت بازدارندگی یا عدم آن است که بالطبع در نوع رفتار او مؤثر است. البته برخی از مصاحبه‌شوندگان، درباره‌ی اصل وجود قوانین ناظر به رفتار خود، در جمهوری اسلامی ایران اظهار بی‌اطلاعی کردند، اما نکته قابل توجه نوع نگاه منفی ایشان و عدم اعتقاد به وجود و ضرورت چنین قوانینی و لزوم متابعت از آنهاست.

مفهوم محوری دیگر در این پاسخ‌ها، «تأخر» قوانین از اقتضائات محیطی است.

موضوع شماره ۶ (ویژگی‌های موقعیتی): مجاورت جغرافیایی، رفت و آمد، و ملاقات‌های متعدد، شرایط ایجاد ارتباط را فراهم کرد.

ویژگی‌های موقعیتی، یکی از زمینه‌های اصلی و تأثیرگذار در نقطه آغازین برقراری روابط فرازناشویی است که تقریباً در همه موارد مورد مطالعه به چشم می‌خورد. حضور در محیط کار، یا ملاقات‌های متعدد در مکان‌های خاص جغرافیایی، زمینه‌های ارتباط جنسی را فراهم می‌سازد. مصاحبه‌شوندگان این محیط‌ها را مکان‌های مناسبی برای ایجاد ارتباط جنسی می‌دانند. محیط کار نیز همچون محیط‌های غیرکاری، نظیر محیط‌های ورزشی، محیط‌های آموزشی، محیط‌های تفریحی و...، که امکان مجاورت جغرافیایی مستمر در آنها وجود دارد، جزو ویژگی‌های موقعیتی شمرده می‌شوند.

ویژگی‌های موقعیتی مورد نظر در مصاحبه‌ها، به دو صورت مؤثر بوده است: اول، در بیان تجربه‌ها به عنوان نقطه آغازین ارتباط جنسی معرفی شده است. تقریباً در تمام موارد، حضور مستمر در یک مکان جغرافیایی و ارتباط مستمر و متعدد در زمان‌های مختلف صورت می‌پذیرفته است و همین امر زمینه ایجاد علاقه و ارتباط طرفین را به وجود آورده است. دوم، ابراز عقیده خود مصاحبه‌شوندگان است که با صراحت محیط کار را فضای مناسبی برای ایجاد ارتباط جنسی ذکر کرده‌اند، اما در تبیین‌های ارائه شده این نکته را می‌توان دریافت که آنچه حقیقتاً زمینه ارتباط را به وجود آورده، نه محیط کار که بیشتر ویژگی‌های موقعیتی و مجاورت جغرافیایی بوده است.

حضور مستمر و امکان ملاقات یکدیگر در ایجاد رابطه و ابراز احساسات، نقش بیدارکننده و تحریک احساسات داشته است. گاه ممکن است، علائق به وجود آمده حتی برای چند سالی سرکوب شود، اما درنهایت به کمک مجاورت و ارتباط مستمر در شرایط جدید و وقوع تغییر در رفتارها، فرصت ایجاد روابط اباحه‌گرانه فراهم آید. چنان‌که در مورد ذیل پس از چند سال احساسات فرصت بروز پیدا می‌کند. درحالی‌که اگر مجاورت جغرافیایی و ارتباط مستمری در کار نبود، این احساس علاقه فرصت بروز پیدا نمی‌کرد.

حضور چندین باره در یک مکان، زمینه آشنایی افراد را فراهم می‌سازد. وجود شرایط برای ملاقات‌های متعدد در محیط کار یا خارج از آن، زمینه‌ساز ایجاد ارتباط حتی میان افراد غیرهمکار شده است.

درباره مکان‌های زمینه‌ساز برای آشنایی افراد با همدیگر، باید گفت: هرچند برخی از مصاحبه‌شوندگان در فضاهای مجازی همچون فیس‌بوک و... با یکدیگر آشنا شدند و درنهایت، این آشنایی به ارتباط جنسی ختم شد. اما اکثر این افراد، در محیط کار زمینه ارتباط با همکاران برایشان فراهم شده است.

برخی از کسانی که خود تجربه رابطه جنسی در محیط کار دارند، این محیط را از این جهت که بیشتر انسان را در معرض ارتباط قرار می‌دهد، مؤثر می‌دانند.

برخی نیز در تشریح تأثیر محیط کار در ایجاد ارتباط، به مسائلی همچون نیازها و مشکلات عاطفی اشاره کرده‌اند که در هر محیطی می‌تواند به برقراری ارتباط کمک کند. درباره موقعیت جغرافیایی سه نکته لازم به یادآوری است:

۱. آنچه از داده‌ها به دست می‌آید، نقش مجاورت مکانی و سهولت دسترسی و ارتباط افراد با یکدیگر است. از این رو، محیط کار صرفاً یک مصداق است.

۲. علی‌رغم وجود عامل زمینه‌ای، یعنی مجاورت مکانی و قابلیت دسترسی یا ارتباط مستمر رسمی بین همکاران، شرایط برقراری چنین روابطی در هر محیط کاری امکان‌پذیر نیست. وجود یا عدم وجود برخی ویژگی‌ها در محیط کار، برقراری ارتباط جنسی برای همکاران را ممکن ساخته، یا از آن جلوگیری می‌کند. برای نمونه، زنانه یا مختلط بودن محیط، رعایت یا عدم رعایت قوانین تفکیک جنسیتی در محیط کار، وجود یا عدم وجود ناظران انسانی و الکترونیکی، رعایت یا عدم رعایت شئون اخلاقی و معاشرتی در نحوه پوشش، گفت‌وگوها و... رفت و آمد زیاد یا عدم تردد ارباب رجوع، بازبودن یا بسته بودن محیط و... به هر حال، قدمتیقن داده‌ها درباره ویژگی‌های موقعیتی این است که عامل مجاورت مکانی و ارتباط مستمر و دیدارهای متعدد، عامل زمینه‌ای مهمی در برقراری ارتباط جنسی شمرده می‌شود.

اخلاق دینی و ویژگی‌های موقعیتی

به دلیل ضیق مجال، صرفاً به طرح بخش‌هایی از اخلاق جنسی اسلام، که به محورهای این مطالعه مربوط هستند، بسنده شده است. اخلاق جنسی اسلام، به موضوع زمینه‌ها و شرایط تسهیل‌کننده و ترغیب‌کننده به انحراف، توجه شایانی کرده است. بخش قابل توجهی از توصیه‌های دینی، با هدف پیشگیری از فرو فرورفتن در وادی کجروی و انحراف تشریح شده است. رفع برخی زمینه‌های فرهنگی اجتماعی لغزش و انحراف نیز جزو وظایف حاکمیت اسلامی، کارگزاران فرهنگی جامعه و عموم مردم شمرده شده است. آموزه‌های دینی در خصوص ویژگی‌های موقعیتی، به اموری عمیقاً توجه داده است: رعایت حریم میان محرم و نامحرم، حفظ حجاب و رعایت پوشش کامل، حسن معاشرت/ معاشرت اخلاقی زنان و مردان، اجتناب از ورود سرزده به مکان‌های اختصاصی دیگران، لزوم پرهیز از خلوت‌گزینی با نامحرم، نهی از گفت‌وگوهای خودمانی، شوخی کردن و عادی‌سازی روابط با نامحرم، پرهیز از تجسس در امور دیگران، رعایت حدود در ارتباطات چهره به چهره، پرهیز از مصافحه و تماس جسمی و فیزیکی، عدم استفاده، به ویژه زنان از آرایش‌ها و تزیینات جاذب و فریبنده، عدم صدور رفتارهای اغواگرانه و تحریک‌کننده و... بی‌شک، رعایت این‌گونه موارد در برقراری ارتباط سالم بسیار مؤثرند. از ذکر مستندات این بخش، به دلیل محدودیت اجتناب شده

است. طالبان می‌توانند به منابع روایی و فقهی و آثار تألیف یافته در حوزه حجاب و عفاف رجوع کنند. برای نمونه، دربارهٔ مباحث مربوط به موضوع‌هایی همچون نگاه، عفت در پوشش، سخن گفتن، آرایش کردن، و عفت در معاشرت (ر.ک: محدث عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۹۷؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۶۴ و ۲۶۵؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳ و ۱۴؛ شیرازی، تهران، ۱۳۹۰، ص ۴۱۳؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰؛ خوانساری، ۱۳۶۶، ص ۳۷۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۱۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۵۶، ح ۴۹۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۱، باب ۳۷، ص ۴۷؛ محدث عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۱۳۹؛ قمی، ۱۳۶۳، ص ۵۴۶).

عفت، محور رفتارهای انسانی

دستورات و توصیه‌های اسلام در روابط انسانی میان نامحرمان، همه بر حول یک اصل مهم دوران دارد و آن «عفاف» است. رعایت حریم عفاف توسط جمع یا اکثریت، نقش بسار مهمی در حفظ عموم از فرو رفتن در انحراف و گناه و فساد جنسی دارد. تک‌تک مؤمنان، حتی با فرض عدم رعایت جمع نیز ملزم و مکلف به رعایت این اصلند. بی‌شک، در حفظ طهارت روحی آنها و دور ماندن از آلودگی‌های محیطی نقش مهمی دارد. از جمله مصادیق عفت، که به تناسب موضوع نوشتار، ضرورت طرح دارد، عفت در معاشرت است.

حضور بانوان و مشارکت آنان در موقعیت‌ها و نقش‌های مختلف فرهنگی اجتماعی، ضرورت اجتماعی و اجتناب‌ناپذیر است. جامعه مدرن، در مقایسه با جامعه سنتی، به دلیل برخی تحولات زمینه‌ها و انگیزه‌های، این حضور را به طور کمی و کیفی شدت بخشیده است. حضور اجتماعی زنان، به طور قهری زمینه ارتباط، معاشرت، گفت‌وگو، همکاری و اختلاط آنان با مردان نامحرم را اجتناب‌ناپذیر کرده است. اسلام در عین موافقت اجمالی با اصل حضور اجتماعی زنان و نقش آفرینی فعال و مؤثر آنها در این عرصه فراتر از محیط خانواده و نقش‌های متعارف همسری، مادری و دختری محول، این حضور را به رعایت حریم‌های فقهی و اخلاقی و بایسته‌های ارزشی و هنجاری خاصی مقید و مشروط ساخته است. برخی از این حریم‌ها عبارتند از:

تشریح ارتباطات

بازخوانی محورهای شش‌گانه استخراج شده در مرحله اول، نشان می‌دهد که برخی از آنها که زمینه‌ساز روابط اباحه‌گرانه بوده و به امکانات مادی و فرهنگ حاکم بر موقعیت‌های رفتاری افراد ناظر هستند.

همچنین «نوع نگاه» فرد به قوانین موجود و نقش کنترل‌کننده و بازدارنده نهادهای رسمی و انتظامی، و ایقان به ناکارآمدی آنها در کنار ضعف درون‌مایه‌های دینی و پایین بودن میزان احساس ترس یا عذاب وجدان، یا ضعف و فقدان کنترل‌های درونی (اخلاق، تقوا) نیز به عنوان زمینه‌های ذهنی و روانی این انحراف شمرده شده‌اند.

در بررسی محورهای استخراج شده، ارتباط کدها با یکدیگر، به شکل معناداری ما را به سوی محورهای اصلی هدایت می‌کند.

دلالت‌های زمینه‌ای را می‌توان در سه لایه سطوح عینی، کنترل‌های درونی و کنترل‌های بیرونی دسته‌بندی کرد.

در لایه اول، به کدهای زمینه‌ای مربوط به ابزارهای مادی و توانایی‌های رفتاری و نیز ویژگی‌های موقعیتی افراد پرداخته شده است. از این لایه، به عنوان «سطوح عینی» یاد می‌شود. لایه دوم، مربوط به «کنترل‌های درونی» است که شامل دو محور خردمایه‌های دینی و احساس عذاب و وجدان می‌شود. لایه سوم نیز به نقش «کنترل‌های بیرونی» در شکل‌گیری و استمرار روابط فزاینده‌ی مربوط است که شامل دو تم برخورد نیروهای دولتی و قوانین حقوقی موجود می‌شود. حاصل بررسی کدبندی باز اولیه، مربوط به موضوعات شش‌گانه فوق، در سه تم اصلی به شرح ذیل خلاصه شده است. در جدول ۲، محورهای اصلی و کلیدواژه‌های مربوط به هر یک در ضمن یک شبکه تماتیک نمایش داده شده است.

جدول ۲. محورهای اصلی در سطوح سه‌گانه مجزا به صورت شبکه تماتیک

شماره	تم‌های اصلی	توضیحات	کدبندی مرتبط (کلیدواژه‌های مرتبط)
۱	سطوح عینی	سطوح عینی موجود در مصاحبه‌شوندگان بی‌شک در ایجاد روابط جنسی اباحه‌گرانه نقش مؤثری داشته است و زمینه‌های ایجاد ارتباط را تشدید و تسهیل کرده است. امکانات و ابزارهای مادی، مهارتی و موقعیتی همچون: مجاورت مکانی، شرایط ظاهری و فیزیکی، شرایط موقعیتی، ویژگی‌های روحی و شخصیتی و... به عنوان عوامل زمینه‌ای یاد شده‌اند.	کلیدواژه‌های مربوط به موضوع شماره ۱ و ۶ در جدول شماره یک: هشت سال با هم همکاریم، اشتباهی جنسی دارم، محیط کار فرصت آشنایی می‌دهد، روابط اجتماعی خوبی دارم، همسر راهش دوره و دوهفته یکبار می‌آید، امتیازم موقعیت مالی مناسبه، از لحاظ ظاهری جذاب و خوش تیپ هستم، دفترکاری مستقل و مناسب سکس دارم، مهارت‌های ارتباطی دارم و...
۲	کنترل‌های درونی	ضعف در کنترل‌های درونی که ناشی از عدم اعتقاد یا عدم التزام عملی به رعایت احکام و وظایف دینی و شرعی و نیز عدم احساس عذاب وجدان و احساس گناه به هنگام برقراری ارتباط و ارتکاب گناه از سوی دیگر، زمینه‌ساز اباحی‌گری جنسی بوده است.	کلیدواژه‌های مربوط به موضوع شماره ۲ و ۴ در جدول شماره یک: نگاه مذهبی ندارم، مذهبی نیستم، هیچ‌گونه اعتقادی به مذهب ندارم، به گناه بودن بی‌حجابی اعتقادی ندارم، رابطه خاصی با هیئت‌های مذهبی ندارم، در مهمانی‌ها پوششم آزاده و حجاب ندارم، اهل حجاب نیستم، حالم از مذهب به هم می‌خورد، مذهب نباید دست و پای آدم رو بگیره.

۳. تم‌های اصلی	توضیحات	کدبندی مرتبط (کلیدواژه‌های مرتبط)
۳ کنترل‌های بیرونی	ضعف قوانین موجود و نیز عملکرد نهادهای دولتی و انتظامی در ایفای نقش بازدارندگی مؤثر نیز در تشدید انگیزه و زمینه‌سازی بیشتر برای شکل‌گیری روابط جنسی اباحه‌گرا نه در نمونه مورد مطالعه مؤثر بوده است.	کلیدواژه‌های مربوط به موضوع شماره ۳ و ۵ در جدول شماره یک: برخوردهای دولتی ناکارآمد است، بدون برنامه‌ریزی است، قوانین بر اساس مذهب است، نه علم و نیاز جامعه، کاری پیش نمی‌رود، قوانین به ظاهر سخت است ولی راه فرار زیاد دارد، سخت‌گیری‌های بی‌مورد، نیازهای ارتباطی و جنسی را زیرزمینی کرده است، رفتارها کارشناسانه نیست، فشارها برای محدود کردن مؤثر نیستند، قوانین کشور ما خشک و بدوی است و از پیشرفت جامعه جامانده‌اند، برخوردها سیاسی و مقطعی است و...

نمودار ۱. شبکه تماتیک کلی زمینه‌های خیانت در جامعه ایران



نتیجه‌گیری

زمینه‌های اجتماعی مؤثر در روابط فراژناشویی در جامعه ایران، در سه محور اصلی زمینه‌های عینی، کنترل‌های درونی و کنترل‌های بیرونی عنوان‌بندی شدند. این زمینه‌ها، شامل برخی از ابزارها و امکانات مادی، مهارت‌های رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی‌اند. برخی نیز به موقعیت‌های اجتماعی و ظرفیت‌های حقوقی و قانونی کشور مربوط می‌شوند. با توجه به تحلیل‌ها و نتایج به دست آمده، به نظر می‌رسد که برای کاهش روابط فراژناشویی، باید به اصلاح زمینه‌های مذکور اهتمام شود و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی مناسب با هدف تأمین این مهم در حد امکان صورت پذیرد.

مهم‌ترین عاملی که طبق مطالعه، نقش مهمی در جلوگیری از روابط فراژناشویی و اشاعه آن دارد، «تقویت کنترل‌های درونی و بیرونی» است که در ضمن پیشنهادات ذیل بدان توجه داده شده است:

۱. نگاه مسئولانه و کارشناسانه به موضوع انحرافات جنسی در جامعه و پرهیز از سطحی‌نگری، ساده‌انگاری، ارائه راه‌حل‌های غیرممکن و غیرکارشناسانه، تمسک به توجیحات غیرقابل قبول و در نهایت، پاک کردن صورت مسئله.
۲. سرمایه‌گذاری جدی در تقویت فرهنگ دینی و آموزه‌های اسلامی و نقش کارکردی آنها در شخصیت‌سازی، مراقبت‌های اخلاقی، تربیت جنسی، غیرت‌ورزی، رعایت حیا و عفاف و در کل، مهار انحرافات محیطی به طور عام و انحرافات جنسی به طور خاص.
۳. بازنگری مناسبات دولت و نهادهای مسئول با نهاد خانواده، در عرصه‌هایی مثل تسهیل شرایط ازدواج، ارائه خدمات مشاوره‌ای، افزایش مهارت‌های زندگی، افزایش مهارت‌های ارتباطی، حل معضل بیکاری، تفکیک محیط‌های شغلی، هشداردهی در خصوص آسیب‌های محیطی، اعمال حساسیت در خصوص ارتباطات برون‌خانوادگی، اصلاح زمینه‌های محیطی تشدیدکننده طلاق، حمایت از قربانیان طلاق، تقویت کنترل‌های غیررسمی، همچون امر به معروف و نهی از منکر، اعمال نظارت دقیق در محصولات فرهنگی و رسانه‌ای مورد استفاده عموم به ویژه محصولات وارداتی و ...
۴. برجسته‌سازی خطرات قطعی و محتمل اشاعه ارتباطات جنسی اباحه‌گراانه از طریق رسانه‌های جمعی و اعمال شوک‌های محیطی پیاپی و ایجاد حساسیت در افکار عمومی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. این نوع تحلیل از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی به ویژه مردم‌نگاری است که در سایر رهیافت‌های تحلیلی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحلیل موضوعی ضمن اینکه خود یک روش مستقل تحلیلی است، می‌تواند در روش‌های تحلیلی دیگر نیز به کار رود

منابع

- آقایی، مرضیه، ۱۳۹۳، بررسی نقش صمیمیت و رضایت جنسی در گرایش مردان متأهل به روابط فراژناتشویی: بررسی جهت‌گیری مذهبی به عنوان متغیر میانجی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهراء.
- ابن بابویه، محمدبن‌علی (شیخ صدوق)، ۱۴۱۶ق، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، نهج‌الفصاحه، چ چهارم، تهران، بی‌نا.
- خوانساری، آقا جمال‌الدین، ۱۳۶۶، شرح بر غررالحکم، تهران، دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۳، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، صراط.
- سعدی، ابوالحبيب، ۱۴۱۹ق، القاموس الفقهي لغو و اصطلاحات، دمشق، دارالفکر.
- شیرازی، سیدحسین، ۱۳۹۰، کلمة الرسول الأعظم، تهران، اندیشه مولانا.
- صفایی، مهسا، ۱۳۹۳، بررسی عوامل تأثیرگذار بر گرایش زنان متأهل به روابط فراژناتشویی: نقش ویژگی‌های شخصیتی به عنوان متغیر میانجی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهراء.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن، ۱۳۷۲، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- قمی، عباس، ۱۳۶۳، سفینه‌البحار و مدینه‌الحکم و الاثار، تهران، فراهانی.
- کاوه، سعید، ۱۳۸۳، روان‌شناسی بی‌وفایی و خیانت، شناسایی، بررسی و تحلیل بی‌وفایی و خیانت همسران، تهران، هنر سرای اندیشه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، بحار‌الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محدث عاملی، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل‌الشیعه إلى تحصیل مسائل‌الشریعه، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- محمدپور، احمد و مهدی رضایی، ۱۳۸۷، «درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه اورامان کردستان ایران به شیوه پژوهش زمینه‌ای»، جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، ش ۱ و ۲.
- محمدپور، احمد، ۱۳۸۸، «تحلیل داده‌های کیفی: رویه‌ها و مدل‌ها»، انسان‌شناسی، سال اول، دوره دوم، ش ۱۰، ص ۱۲۷-۱۶۰.
- ، ۱۳۹۰، روش تحقیق کیفی ضد روش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)، تهران، جامعه‌شناسان.
- معین، محمد، ۱۳۵۰، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر.
- موسوی بجنوردی، سیدکاظم، ۱۳۷۴، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، نشر مرکز دایرة‌المعارف اسلامی.
- نوری، حسین‌بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت.

- Braun, V, & Clarke, V, 2006, Using thematic Analysis in Psychology: Qualitative Research in Psychology, p. 77° 101.
- Caplan, & sadock. S, 1998, Synopsis of Behavior ral sciences/psychiatry 8 th edition.
- Emerson. R, R, & et al, 1995, Writing Ethnographic Fieldnote, Chicago: Univercity of Chicago press.
- King, N, & Horrocks, C, 2010, Interviews in Qualitative Research, London: Sage.
- struss, A, & Corbin. J, 1998, Basics of Qualitative Research: Tecniques and Procedures for Developing Grounded Theory, Second Edition, Thousand Okays, CA: Sage Publications Ltd.

